

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی
مجله دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
سال دهم - شماره ۳۲ - تابستان ۱۳۸۲
ص ص ۲۱-۴۲

بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری

دکتر ایرج نوروش*

چکیده مقاله

عده‌ای بر این باورند که برنامه درسی رشته حسابداری دوره کارشناسی باید فارغ‌التحصیلانی را روانه بازار کند که توانایی‌های لازم را برای انجام وظایف اولین شغل حرفه‌ای خود داشته باشند، در مقابل گروه دیگر عقیده دارند فارغ‌التحصیلان باید از دانش زمینه‌ای و مهارت‌هایی برخوردار باشند تا بتوانند برای ایفای نقش سازمانی و تعامل‌های فردی و گروهی در طول عمر کاری خود در مشاغل مختلف آماده شوند. مورد اخیر تداوم بیشتری نسبت به اولین شغل فارغ‌التحصیلان دارد، در محیط در حال تغییری که فارغ‌التحصیلان وارد آن خواهند شد و توجه بیشتری را به خود جلب می‌نماید. این امر ضمن آنکه با اولین شغل حرفه آنها چندان بی‌ارتباط هم نمی‌باشد اما در عین حال ادعای طرفداران آموزش حرفه‌ای در سطح دانشگاه را کم‌رنگ‌تر نموده است. به هر حال، برای پاسخگویی به محیط در حال تغییر، در برنامه درسی دانشگاهی هم باید تغییراتی لحاظ گردیده و برنامه نوسازی شود. این تغییرات در کشورهایی که اقتصاد آن بازار مدار است به واسطه تقاضای مشتری مدار آن، تحقیقات گسترده با صرف مبالغ هنگفت انجام می‌گیرد.

در این مقاله عناصر اصلی فرآیند تغییر برنامه درسی مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت با علم به اینکه عمر کاری فارغ‌التحصیلان نسبت به اولین شغل آنها از اهمیت بیشتری برخوردار بوده نویسنده صرفاً جهت نوسازی برنامه درسی موجود که چند دهه از تدوین اولیه آن می‌گذرد، برنامه‌ای برای دوره کارشناسی رشته حسابداری پیشنهاد نموده است.

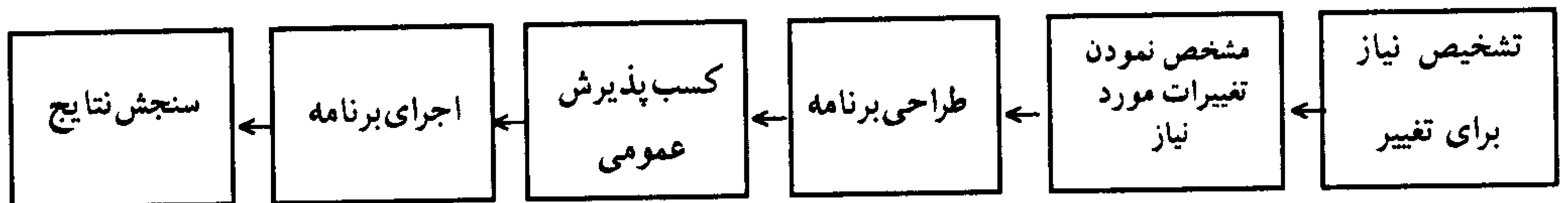
واژه‌های کلیدی: برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری، نهاد مستقل اعتباربخشی، منابع درسی، کمیته تغییر آموزش حسابداری (AECC)، پذیرش عمومی.

مقدمه

محیط در حال تغییری که فارغ‌التحصیلان وارد آن خواهند شد استدلال محکم طرفداران آموزش حرفه‌ای در سطح دانشگاه را کم رنگ می‌کند. طرفداری جانبدارانه از آموزش حرفه‌ای می‌تواند اختلاف سلیقه بین آماده کردن دانشجویان برای اولین شغل و آماده کردن آنها برای دوره زندگی کار و فعالیت را پیش کشد. دلیل اخیر اهمیت زیادتری نسبت به دلیل قبلی یعنی اولین شغل فارغ‌التحصیلان دارد، با این وجود، با اولین شغل آنها چندان بی‌ارتباط هم نمی‌باشد.

نیاز برای تغییر

ماهیت اولین شغل و ماهیت دوره زندگی کاری برای حسابداران به شدت در حال تغییر است. اگر اساتید حسابداری در پاسخگویی به این تغییرات عکس‌العمل مناسب نشان ندهند، حرفه مجبور خواهد شد استعداد مورد نیاز اولین شغل یا کارکنان صفر کیلومتر خود را به شکل دیگری جستجو نماید. با فرض وجود تقاضای گسترده برای یکی از دو بدیل فوق، این سؤال مطرح می‌گردد چگونه فرآیند تغییر اجرا گردد. نمودار شماره ۱ عناصر کلیدی فرآیند تغییر را نشان می‌دهد. اجرای موفقیت‌آمیز این فرآیند سؤالات تحقیقی متعدد و عمده‌ای را مطرح می‌سازد. قسمت‌های بعدی این مقاله در جستجوی مشخص نمودن برخی از عواملی است که تعمق بیشتر بر آنها می‌تواند مفید واقع گردد.



نمودار ۱. عناصر اصلی فرآیند تغییر برنامه درسی

تشخیص نیاز برای تغییر

برای اینکه تغییری انجام شود اول باید توافقی برای نیاز به تغییر وجود داشته باشد. معمولاً، نارضایتی وضع موجود موجب تغییراتی است که باید به وجود آید. ترس، ناراحتی، تمایل، بقا، و تمایل برای ارتقاء شأن اجتماعی از نیروهای قدرتمند برای توجیه تغییر به شمار می‌روند.

اهمال در برآورده ساختن انتظارات مشتری و رقابت می‌تواند به یک نیاز بازار مدار برای تغییر منجر شود. تمایل برای سهم بیشتر بازار نیز می‌تواند محرکی برای تغییر باشد. در ارتباط با برنامه درسی، رتبه‌بندی هر رشته تحصیلی در بین دانشگاه‌های کشور می‌تواند منشأ تغییر در بسیاری از برنامه‌های درسی در سیستمی گردد که هر دانشگاه رأساً نسبت به تدوین برنامه درسی خود اقدام می‌کند.

برای برنامه‌های درسی حسابداری، بصیرت در انگیزه‌های علت تغییر ارزشمند است. برای مثال، دانستن اینکه نیروهای انگیزشی برای تغییرات عمده در برنامه‌های طی چند سال گذشته چه بوده‌اند، می‌تواند مفید باشد. ناراحتی و مشکل برنامه موجود ماهیتاً چه بوده است؟ مواردی که در رابطه با برآورده ساختن نیازهای بازار تقاضا بوده کدام است؟ تا چه حد این موارد متکی بر برداشت‌های کوتاه‌مدت در مقابل برداشت‌های بلندمدت نیازهای حرفه بوده است؟ تا چه حد اینها به نوع تجربه آموزشی در مقایسه با نوع دانشجویانی که به برنامه تحویل شده‌اند مرتبط بوده‌اند؟ تا چه میزان کهنگی یا جدید بودن سؤالات آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد سازمان سنجش کشور بر سرعت تغییر تأثیر داشته است؟ تا چه حد امتحانات جامعه حسابداران رسمی کشور نیاز برای تغییر را بوجود آورده است؟ تا چه میزان

تدوین بیانیه‌های جدید کمیته تدوین استانداردهای کشور به احساس نیاز برای تغییر قوت بخشیده است؟

تعمق درباره سایر جنبه‌های تغییر مفید خواهد بود. برای مثال، در تلاشهای موفق تغییر آیا یک فرد کلیدی که واسطه‌ای برای تغییر بوده وجود داشته است؟ توافق برای تغییر چگونه صورت گرفته؟ بالاخره، تفاوت ویژگی‌های برنامه‌هایی که به طور موفقیت‌آمیز تغییر را به انجام رسانیده با آنهایی که تلاشی برای تغییر نکرده‌اند و نیز آنهایی که برای تغییر تلاش کرده اما موفقیت کمتری داشته‌اند در چیست؟ برای مثال تا چه حد ویژگی‌های اساتید دانشکده یا میزان بودجه اختصاص یافته در انجام تغییر تأثیر می‌گذارد؟ آگاهی از موانع و بازدارنده‌های تغییر نیز در انجام دادن تغییر مفید است. برخی از موانع و بازدارنده‌های تغییر در برنامه‌های درسی حسابداری بسیاری از کشورها عبارتند از: ماهیت مواد امتحانی امتحانات حرفه‌ای، الزاماتی که برای واجد شرایط بودن شرکت در امتحانات حرفه‌ای و دریافت مجوز فعالیت حرفه‌ای لازم است، نبود انگیزه‌های لازم برای اساتید جهت سرمایه‌گذاری وقت خود برای تغییر، نبود منابع مالی لازم، نبود استانداردهای اعتباردهی به رشته تحصیلی دانشگاهی، نبود منابع درسی لازم برای تغییر. آگاهی از این موانع و سایر عوامل متصور بازدارنده تغییر چه اهمیتی دارد؟ در مواردی که یک تغییر موفقیت‌آمیز بوده چگونه این عوامل بازدارنده برطرف گردیده است؟ مطالعه تطبیقی انگیزه‌ها و موانع مفروض، برای تغییر موفقیت‌آمیز و ناموفق برنامه، کمک بالقوه‌ای در تفهیم زمینه‌های محیطی برای تغییر است.

بحث: وضعیت ایستا و غیرپویای مدیریت دولتی حاکم بر فعالیتهای فرهنگی، اقتصادی ایران زمینه‌های محیطی متفاوتی را در مقایسه با بسیاری کشورها برای برخی رشته‌های کاربردی مثل رشته حسابداری ایجاد نموده است. در شرایط موجود یک نیاز و تقاضای خودجوش که اولین قدم هر تغییر مثل تغییر در برنامه آموزشی حسابداری است، دیده نمی‌شود زیرا:

- ۱- برای شرکت در امتحانات حرفه‌ای تحت نظر دولت، تاکنون دانش و مهارت جدیدی که لازم باشد مؤسسات آموزشی تعلیم دهند، به ندرت مشاهده گردیده است؛
- ۲- نبود رقابت در اقتصاد دولتی حاکم، تقاضا و نیازی برای تحول و ارتقاء دانش و

مهارت بیشتر افراد سازمانی واحدهای اقتصادی بوجود نیاورده تا مؤسسات آموزشی خود را موظف به پاسخگویی به این نیاز اجتماعی نموده و فعالانه تغییر و تحول لازم را در سیستم آموزشی خود تدارک ببینند؛

۳- نهادهای مستقلی، جهت اعتبار بخشی به رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها و سنجش و رتبه‌بندی این رشته‌ها در دانشگاه‌های مختلف، وجود ندارد. در غیاب این نهادها قدمت دانشگاه، مطلوبیت شهر و مکانی که دانشگاه در آن واقع شده است، و بزرگی آن معیار سنجش و انتخاب داوطلبین ممتاز ورود به دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین، برای مدیریت و هیأت علمی مراکز آموزشی استانداردها و معیارهای ارزیابی کم و کیف فارغ‌التحصیلان وجود ندارد تا برای پاسخگویی به آن مسؤولیتی احساس نموده و برای حصول آن، کیفیت آموزشی دانشگاه خود را ارتقاء دهند؛

۴- به علت دولتی بودن کمیته‌های برنامه‌ریزی وزارت علوم، اخیراً برخی دانشگاه‌های منتخب، افراد ذینفع و صاحب نفوذ به طریقی خود مستقیماً یا بوسیله افراد خود در آن رخنه کرده و علایق و منافع شخصی خود را به نام اصلاح برنامه در برنامه درسی لحاظ می‌کنند. جابجایی و تغییرات غیر اصولی و زیانبار برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری که با هیچ منطق و برنامه درسی کشورهای دیگر سازگار نمی‌باشد صرفاً بخاطر جایگزین نمودن دروس مورد علاقه آنان در گذشته سابقه داشته است و اعتراض و شکایات جمعی اساتید رشته دانشگاه‌های پایتخت بر وزارت علوم و فناوری مؤید آن است؛

۵- رکود علمی اغلب مدرسین (که به علت عدم نیاز به پویایی در یک اقتصاد دولتی، یک امر طبیعی به شمار می‌رود) و مضیقه منابع درسی معتبر به زبان فارسی از علل ایستایی برنامه و مقاومت در مقابل تغییرات اصولی و علمی آن است.

بنابراین پیشنهاد یک برنامه درسی برای دوره کارشناسی رشته حسابداری در پیوست این مقاله، بخاطر نیاز و تقاضایی نیست که در محیط اقتصاد دولتی موجود وجود ندارد، بلکه این پیشنهاد در پی دستیابی به هدف نوسازی برنامه است.

کهنگی محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری مصوب شورای انقلاب فرهنگی نزدیک به بیست و چند سال از تغییرات کلی در آن می‌گذرد. به هنگام کردن این

برنامه و نوسازی آن جهت همگام شدن با برنامه این رشته در دانشگاه‌های سایر کشورها یکی از اهداف تغییر است. در کشورهای پیشرفته صنعتی تدوین برنامه درسی هر رشته تحصیلی محصول کار جمعی گروه‌های متعدد تحقیق و بودجه‌هنگفتی است که توسط سازمان‌های مختلف ذینفع به آن اختصاص داده می‌شود. برای مثال، در اندونزی تحقیق پیرامون تدوین برنامه آموزش حسابداری با بودجه‌ای معادل ۱۶۵ میلیون دلار که از طرف دولت جاکارتا، بانک جهانی و سازمان ملل تخصیص یسافته بود انجام گردید (Enthoven, 1989). در آمریکا کمیته تحقیق بدفورد به این نتیجه دست یافت که حسابداری در حال تبدیل شدن به یک حرفه وسیع اطلاعاتی است که به طور فزاینده‌ای از فنون اندازه‌گیری و پیچیده، مفاهیم تحلیلی غامض، و فنون ارتباطی جدید برای بهبود اطلاعات رایج شده جهت تصمیمات اقتصادی و اجتماعی گسترده استفاده می‌کند (Bedford Commitee, 1986). گزارش سال ۱۹۸۷ بدفورد و شینکر مبنی بر این بود که آموزش حسابداری اساساً تغییری نکرده و بهمین دلیل انتقادات گسترده‌ای وجود دارد که فارغ‌التحصیلان حسابداری نمی‌دانند چگونه ارتباط برقرار کرده و به طور منطقی استدلال کنند. همچنین گزارش ادعا دارد که آنها در مهارت‌های ارتباطات متقابل سازمانی ضعیف بوده و نمی‌توانند خلاقانه و مسؤولانه فکر کنند (Bedford & Shenkir, 1987). کمیته بدفورد توصیه نمود آموزش حسابداری بازسازی شود و دو سال آن به آموزش عمومی دو سال به آموزش حسابداری حرفه‌ای و یک سال به آموزش حسابداری حرفه‌ای تخصصی اختصاص یابد. در سال ۱۹۸۹ با شکل گرفتن کمیته تغییر آموزش حسابداری (AECC) و نتیجه‌گیری اینکه رویکرد سنتی به آموزش حسابداری به شدت بر دانش فنی، محاسبه یک پاسخ درست، یادگیری کورکورانه، تعلیم قواعد و امتحانات حرفه‌ای CPA استوار گردیده و موضوعات برنامه درسی رابطه متقابل کمی باهم دارند و بهای کمی به مهارت‌های بین افراد و فن‌آوری داده شده؛ تغییر در آموزش حسابداری و اصلاح این روند نامطلوب توصیه گردید.

کمیته در تحقیق خود، تغییر در آموزش حسابداری، ارتقاء مهارت‌های گفتاری و شنودی، آگاهی از تاریخ و تاریخچه تکوین حسابداری، دانش بین‌المللی و فرافرهنگی، درک علم، فهم ارزش و نقش این موضوعات در تصمیم‌گیری، منجمله توانایی مسایل دارای ابعاد اخلاقی، در

هر قضیه را پیشنهاد کرده است. در پیشنهاد تغییر برنامه آموزشی، همچنین دانش عمیقی از سازمان‌ها و لحاظ تمام جنبه‌های نظام حسابداری در آن، در طول دوره توصیه گردیده است. کمیته تغییر آموزش حسابداری (AECC) همچنین توصیه کرده که آموزش حسابداری باید بر توانایی‌های دانشجویان برای تشخیص مشکلات و فرصت‌ها تأکید کرده تا اطلاعات مطلوب نظر را جستجو، تجزیه و تحلیل و تفسیر و به نتایج کاملاً توجیه شده دست یابند. نهایتاً اینکه، یادگیری فعال از طریق ارایه و بحث‌های موارد خاص، ایفای نقش، بحث و فعالیت‌های مشابه باید بشدت ترغیب و فن‌آوری باید در برنامه درسی حسابداری لحاظ گردد. با جمع‌بندی نقطه‌نظرات کمیته می‌توان استنباط کرد تغییر در آموزش حسابداری برای اطمینان از آن است که داوطلبان ورود به حرفه حسابداری در میان سایر معلوماتی که می‌آموزند دارای این دانش و مهارت‌ها باشند:

- ۱- مهارت‌های ارتباطات و تعامل فردی؛
- ۲- مهارت‌های تصمیم‌گیری و تحلیلی؛
- ۳- مهارت‌های مقداری (کمی)؛
- ۴- دانش عمومی؛
- ۵- دانش سازمانی و تجاری؛
- ۶- دانش و مهارت‌های حسابداری؛
- ۷- دانش و مهارت‌های حسابرسی؛
- ۸- سایر دانش و مهارت‌های حسابداری و مرتبط با حسابداری (Konh & Konh, 1996). در نتیجه‌گیری، گروه‌های تحقیق تغییر برنامه درسی و آموزشی حسابداری را توصیه نموده‌اند. گروه‌های متعدد از جمله انجمن حسابداران آمریکا (AAA)، شش مؤسسه بزرگ حسابرسی وقت آمریکا، کمیته برای ساختار آینده، محتوا و حدود آموزش حسابداری معروف به کمیته بدفورد و سایر انجمن‌ها و نهادها با پشتیبانی معنوی و مالی و صرف ده‌ها میلیون دلار نسبت به تشکیل گروه‌های تحقیق اقدام و از تغییر برنامه آموزشی حمایت نمودند. نتیجه کار جمعی این گروه‌ها ارایه برنامه آموزشی ۵ ساله بود که از سال ۲۰۰۰ به اجرا درآمد. تجربه این فرآیند طولانی تحقیقی پرهزینه، در سیستم آموزشی ما بعید به نظر می‌رسد.

مشخص نمودن تغییرات مورد نیاز

پس از حصول توافق مبنی تغییر، قدم بعدی تعیین ماهیت ویژه تغییراتی است که باید انجام شود. رویکردهای متعددی ممکن است مورد استفاده قرار گیرد.

یک رویکرد، تحلیل وظایف حسابداران در مراحل مختلف دوران شغلی آنهاست. برای مثال، سطوح مختلف مسوولیت، توانایی‌های متفاوتی را می‌طلبد. علاوه بر این، محیط‌های کاری متفاوت مستلزم توانایی‌های مختلف است. با این چنین تحلیل‌ها تصویری از توانایی‌ها را برای وظایف مختلف یعنی وظایف عادی (مثل مهارت‌های دفترداری ابتدایی و حسابداری هزینه‌یابی)، وظایف تکنیکی (مثل مهارت‌های بودجه‌بندی و حسابداری مدیریت)، وظایف ماهرانه (مثل مهارت‌های حسابرسی)، وظایف پژوهشی (مثل مهارت‌های تحلیلی و طراحی سیستم و مشاوره حرفه‌ای مستقل) می‌توان مجسم نمود که به ترتیب باید از روش‌های کاربردی، تقلیدی، ابتکاری، و ابداعی برای آموزش آن بهره گرفت. کدامیک از این وظایف مربوط به اولین شغل فارغ‌التحصیلان و کدامیک با عمر کاری آنها در ارتباط است. پاسخ به این سؤال می‌تواند اهمیت نوع دروس را مشخص کند (نوروش، ۱۳۷۸). با توجه به اینکه تعداد معدودی از این گونه مطالعات تحلیلی موجود است، یک بانک اطلاعاتی غنی در این زمینه نیاز است. رویکرد دیگر برای مشخص نمودن تغییرات مورد نیاز بررسی دیدگاه فارغ‌التحصیلان و کارفرمایان آنهاست. یک چنین بررسی‌هایی می‌تواند در مشخص نمودن نارسایی‌های برنامه‌های درسی موجود مفید باشد.

به هر حال، تحلیل‌های وظایف شغلی و بررسی‌های رضایت فارغ‌التحصیلان و کارفرمایان آنها هیچکدام از ضعف ذاتی خود مبرا نیستند. هر دو رویکرد با وجودی که در مشخص نمودن نیازهای جاری مفید می‌باشند. اما در مشخص نمودن تغییرات مورد انتظار آتی محدودیت دارند.

در تشخیص تغییرات مورد نیاز دانستن اینکه آنهایی که اقدام به تغییر برنامه کرده‌اند، تغییرات مورد نیاز را چگونه مشخص نموده‌اند، مفید خواهد بود. تأثیر نسبی بیانیه‌ها توسط نهادهای حرفه، الزامات آمره، بازخورد فارغ‌التحصیل، کارفرما، و نگرش رهبران حرفه در مشخص نمودن تغییرات ویژه چه بوده است؟ تا چه حد تغییرات تحت تأثیر رویه سایر

مؤسسات قرار گرفته است؟ مؤثرترین راهبردها، برای لحاظ کردن تغییرات مورد انتظار محیط حرفه‌ای، که دانشجویان در آینده وارد آن خواهند شد و دوران شغلی خود را طی خواهند کرد، در فرآیند آموزشی کدامند؟

مشخص نمودن ماهیت تغییراتی که باید معرفی شوند با پردازش اطلاعات گردآوری شده از منابع مختلف سر و کار دارد. یک تحلیل دقیق از اهمیت این منابع، می‌تواند در فرآیند تغییر بسیار ارزشمند باشد. شاید راه‌های جدید دیگری بتواند برای مشخص نمودن تغییرات مشخص شود و تکامل یابد.

الف - طراحی برنامه

پس از مشخص نمودن تغییرات مورد نیاز، گام بعدی طراحی تغییرات مورد نیاز در داخل سیستم است. لازم است نتایج قبلاً مشخص شود تا برنامه و تغییرات آن ماهرانه انجام گیرد. مجدداً، رایه روش‌های مفید برای انجام فرآیند تغییر به تلاش‌های موفقیت‌آمیز تغییر قوت می‌دهد. برای مثال، چگونه باید فرآیند طراحی سازمان یابد و هماهنگ شود؟ تا چه اندازه باید از تیم‌های طراحی استفاده به عمل آید؟ برخی از سیستم‌های طراحی در حاشیه نظام‌ها (مثل، مالیات، حسابرسی، حسابداری مالی، کمیته‌های تدوین استاندارد آنها و غیره) سازمان داده می‌شوند، در حالی که سایر تیم‌ها کار بین نظامی را به عهده می‌گیرند؟ کدام رویکرد بهترین نتایج را به بار می‌آورد؟

آگاهی از متغیرهایی که باید نقشی در طراحی ایجاد تغییرات برنامه باید ایفا نمایند مفید خواهد بود. برای مثال، برخی مؤسسات آموزشی از طریق ترکیب خرده نظام‌های مختلف محتوای سنتی درسی را تجدید ساختار داده‌اند و ترکیب خرده نظام‌ها را در قالب مدولارهای هدفمند و با محتوا رایه داده‌اند. مثل مدولار تصمیم که در آن مباحثی نظیر تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی و آزمون تحلیلی در حسابرسی تدریس می‌شود. یا مدولار اجاره که در آن مباحثی نظیر بُعد اقتصادی اجاره‌های بلند مدت، پروژه تصمیم در رابطه با اجاره‌های بلندمدت را به ترتیب دربر می‌گیرد. یا مدولار بازرگانی بخش‌هایی نظیر مبانی بازرگانی، سازماندهی یک واحد بازرگانی، فروش و وصول مطالبات، خرید و پرداخت، حقوق و

دستمزد و ارزیابی عملکرد، فرآیند موجودی کالا در مبادلات، و تأمین مالی را به ترتیب دربر می‌گیرد. تجدید ساختار این گونه سیستم‌ها بخوبی کار کرده است؟ مشکلات آن چه بوده و چگونه برطرف شده؟ برخی از ساختارهای طراحی میزان تدریس تیمی را افزایش داده است. این ساختارها بخوبی کار کرده‌اند؟ مشکلات آن چه بوده و چگونه برطرف گردیده است؟ یکی از مشکل‌ترین اهداف در طراحی تغییر برنامه درسی ترکیب حسابداری با نظام‌های خارج از مباحث بازرگانی است. تجزیه و تحلیل موفقیت‌ها و شکست‌های این‌گونه تلاش‌ها هم بسیار مفید می‌باشد.

بحث

باز هم بحث نیاز و تقاضا برای نتایج تحقیق به میان کشیده می‌شود. در شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور کدام سازمان و نهادی با صرف بودجه مورد نیاز فعالانه متقاضی نتایج تحقیقات ویژه جهت تغییر سیستم آموزشی می‌باشد؟ آیا محققین واجد شرایط برای انجام این‌گونه تحقیقات وجود دارند؟ آیا ساختار جدید یک برنامه درسی که نتیجه تحقیقات هدفمند باشد با کمبود مدرسین واجد شرایط و منابع درسی مورد نیاز روبرو نخواهد شد؟ بنابراین، برای پرهیز از مقابله با چنین محدودیت‌ها و در عین حال نوسازی برنامه موجود باید از ساختارهایی نمونه برداری نمود که اجرای آن در قالب دروس طبقه‌بندی شده گذشته و منابع کم و بیش موجود آن مقدور باشد. برنامه پیشنهادی در پیوست این مقاله از چنین ویژگی برخوردار است.

ب - کسب پذیرش عمومی

در پی کار طراحی تغییر برنامه درسی، مرحله بعدی با پذیرش تغییر سروکار دارد. معمولاً طراحی خاص توسط تعداد کمی از اعضاء هیأت انجام می‌گیرد. موقعیت این تلاش بستگی به پذیرش آن در کل دانشکده، سایر گروه‌های آموزشی دانشکده، رؤسا، کسانی که فارغ‌التحصیلان برنامه را استخدام می‌کنند، و نهایتاً دانشجویان مربوطه دارد. معمولاً مقاومت برای تغییر رابطه مستقیمی با وسعت و بزرگی تغییر دارد. چگونه می‌توان از مقاومت در برابر

تغییر کاست؟ تجزیه و تحلیل تجربیات آنهایی که تغییرات فراگیر برنامه درسی را به انجام رسانیده‌اند مفید خواهد بود.

دو رویکرد در فرآیند کسب پذیرش دانشکده مشاهده شده است. یک رویکرد دانشکده را کاملاً از جریان کامل تغییر مطلع نگه می‌دارد، یعنی، تأیید دانشکده را در هر مقطع تصمیم بحرانی کار طراحی کسب می‌کند. این رویکرد موفقیت پذیرش نهایی محصول پایانی را افزایش می‌دهد. عیب این رویکرد آنست که فرآیند آن زمان‌بر و نیازمند قضاوت‌های قبلی دانشکده پیش از ارایه چارچوب کامل آن می‌باشد.

در رویکرد دوم تیم طراح کل مجموعه تغییرات را قبل از ارایه نتایج کار خود، آنرا به اتمام می‌رساند. در حالی که این رویکرد کارآیی بیشتری دارد خطر عدم پذیرش عناصر کلیدی تغییرات که مستلزم کار زیادی بوده است را به همراه دارد. آشنایی با تجربیات سایرین که چنین تغییراتی را بعهدہ داشته‌اند مفید فایده می‌باشد.

روش و زمان‌بندی ارتباط با افراد ذینفع غیردانشگاهی از اهمیت زیادی برخوردار است. برای یک تغییر خاص، چه کسانی افراد ذینفع کلیدی هستند؟ بهترین استراتژی برای کسب پذیرش آنها کدام است؟ چگونه باید نقطه‌نظرات آنها بیان شود و در چه مقطعی از فرآیند تغییر این مسأله باید صورت گیرد؟ هدف باید دریافت حداکثر پذیرش ممکنه با علم اینکه هر سلیقه‌ای ممکن نیست در فرآیند تغییر دخالت داده شود باشد.

پ - اجرا

اجرای تغییر برنامه درسی معمولاً بخاطر آنکه تنها به دانشجویان مورد نظر، ارتباط پیدا می‌کنند، یک دوره طولانی‌تری را دربر می‌گیرد. اینکه طرح برنامه جدید موازی با برنامه موجود اجرا گردد یا جایگزین برنامه موجود شود باید تصمیم گرفته شود. هر یک از این دو رویکرد مزایایی دارند. رویکرد موازی از نظر فرصتی که قبل از تأثیر نهایی خود بر کل دانشجویان، برای تنظیم تغییر در اختیار می‌گذارد، نیز دارای محاسنی می‌باشد. این رویکرد همچنین از نظر فرصتی که برای برگزاری برنامه آمادگی اساتید جهت اجرا در اختیار می‌گذارد دارای محاسن می‌باشد. اجرای تغییر برای کل دانشجویان و جایگزینی یکباره آن با برنامه

موجود بسیاری از مشکلات اداری که از اجرای موازی برنامه ناشی می‌شود را کاهش می‌دهد. رویکرد اینگونه به تغییر همچنین تعهد همه جانبه به برنامه جدید را هشدار می‌دهد. هر دو رویکرد اجرای تغییرات برنامه درسی در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. آیا شواهد روشنی دال بر اینکه یک رویکرد بر دیگری ارجحیت دارد در دست است؟ متغیرهایی که پیشنهاد می‌کنند رویکردی بر دیگری ارجحیت دارد کدامند؟ توجه به این سؤالات برای کسانی که در پی اجرای تغییر عمده‌ای در برنامه درسی می‌باشند ارزشمند است.

مسأله اجرایی دیگر به تجهیز کادر تغییر ارتباط دارد. برای مثال، نقش کسانی که تغییر را در اجرای اولیه آن طراحی کرده‌اند چه باید باشد؟ اجرا چگونه و توسط چه کسانی باید هدایت شود؟ آیا پشتیبانی بیشتر اداری باید در مراحل اولیه تدارک دیده شود یا باید سطح عادی پشتیبانی که در بلندمدت برای حرکت شرایط واقعی لازم خواهد بود تدارک دیده شود؟ بررسی تجربیات کسانی که برای اجرای تغییر جامع برنامه درسی در نظر گرفته شده‌اند باید اطلاعات مفیدی برای این گونه مسایل در اختیار گذارد.

ت - ارزیابی و بازخورد

برای بهبود مداوم، یک برنامه ارزیابی و بازخورد باید جزء لاینفک کلیه تغییرات برنامه درسی باشد. در بسیاری از کشورهای صنعتی پیشرفته بخاطر استانداردهای اعتباردهی، تلاش‌های ارزیابی در اغلب برنامه‌ها در جریان است. امروزه، ارزیابی در آموزش حسابداری گرایش به تمرکز بر معیارهای رضایت‌مندی مشتریان فارغ‌التحصیلان حسابداری نظیر مؤسسات حسابرسی و واحدهای تجاری دارد. برخی برنامه‌ها سایر معیارهای عملکرد را هم در نظر گرفته‌اند.

در واقع رضایت‌مندی مشتری مهم است و باید جزء لاینفک کلیه تلاش‌های ارزیابی قرار گیرد. اما، سایر معیارها هم باید بخش مهمی از فرآیند ارزیابی باشد. برای مثال، یکی از عناصر مهم تغییر برنامه درسی تأثیر آن بر نتایج یادگیری است. آیا تغییر نتایج مورد نظر را بدست آورده است؟

برای فایده‌مندی آن، معیارهای نتیجه نهایی باید در قالب طراحی برنامه منظور گردد. یعنی باید دید پویایی فرآیند تغییر در چیست؟ کدام ابعاد برنامه موجود از قوت برخوردار است و بخوبی نتیجه داده؟ کدام نارسایی‌ها باید اجتناب گردد؟ بازهم تجربه‌های آنهایی که چنین تلاش‌هایی را برعهده داشته‌اند به عنوان نقطه شروع چنین پژوهش‌ها مفید خواهد بود.

خلاصه و نتایج

درک پویایی و قوای محرکه تغییر در آموزش حسابداری برای پیشرفت حسابداری کشور به عنوان بخشی از زیر ساخت توسعه اقتصادی اهمیت دارد. اخیراً، اختیاراتی در رابطه با تغییر برنامه درسی از سوی وزارت تحقیقات فناوری و آموزش عالی به دانشگاه‌های منتخب واگذار گردیده است. پژوهش در جمع‌آوری تجربیات تغییر برنامه در سایر کشورها منابع اطلاعاتی غنی در مورد منافع بالقوه آن برای کسانی که در نظر دارند برنامه درسی را تغییر دهند در اختیار می‌گذارد. برخی از موضوعاتی که می‌تواند مفید باشد عبارتند از: محرک‌های تغییر کدامند؟ موانع تغییر کدامند و چگونه می‌توان بر آنها فائق آمد؟ فرآیند کارآمد طراحی چیست؟ چگونه حداکثر پذیرش تغییرات خاصی باید بدست آید؟ چگونه تغییر می‌تواند با موفقیت اجرا گردد، و استراتژی‌های اندازه‌گیری نتایج کدامند؟

به تدریج که تغییرات نهادی در طول زمان به وقوع می‌پیوندد، سایر مسایل پژوهشی بخودی خود بروز می‌کند. برای مثال، چرا برخی تغییرات موفق بوده در حالی که سایر تلاش‌های تغییر شکست خورده است؟ چه متغیرهایی به پذیرش دائمی تغییر کمک کرده‌اند؟ چرا برخی برنامه‌های تغییر یافته دوام داشته در حالی که برخی دیگر متوقف گردیده‌اند؟ چرخه عمر تغییر در آموزش حسابداری چقدر است؟

برنامه درسی پیشنهادی برای دوره کارشناسی رشته حسابداری

۱- دروس عمومی

۳۰ واحد (شامل حقوق اساسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مبانی کامپیوتر و ...)

۲- دروس اصلی

۱۵ واحد

- دروس اصلی بازرگانی

۲۷

۱۲

- دروس اصلی غیر بازرگانی

۳- دروس پایه

۶ واحد

دروس پایه مقدماتی

۳۶

۳۰

دروس پایه تکمیلی

۴- دروس تخصصی

۱۵ واحد

دروس تخصصی اجباری

۱۲

دروس تخصصی اختیاری

۲۷

۱۲۰ واحد

جمع

ریز دروس

- دروس عمومی ۳۱ واحد به اختیار دانشگاه یا وزارت متبوعه

- دروس اصلی بازرگانی (۱۵ واحد):

<u>کد درس</u>	<u>نام درس</u>	<u>تعداد واحد</u>
۰۱	ریاضیات	۳ واحد
۰۲	حسابداری ۱	۳ واحد
۰۳	حسابداری ۲	۳ واحد
۰۴	نگارش بازرگانی	۳ واحد
۰۵	آمار بازرگانی	۳ واحد

- دروس اصلی غیر بازرگانی (۱۲ واحد):

<u>کد درس</u>	<u>نام درس</u>	<u>تعداد واحد</u>
۱۱	اقتصاد کلان:	۳ واحد
۱۲	اقتصاد خرد:	۳ واحد
۱۳	موازین اخلاقی در کسب و کار	۳ واحد
۱۴	امور مالی و مالیه بین الملل	۳ واحد

- دروس پایه مقدماتی (۶ واحد):

<u>کد درس</u>	<u>نام درس</u>	<u>تعداد واحد</u>
۲۱	کاربرد کامپیوتر در حسابداری	۳ واحد
۲۲	محیط قانونی و قانون تجارت	۳ واحد

- دروس پایه تکمیلی (۳۰ واحد):

<u>کد درس</u>	<u>نام درس</u>	<u>تعداد واحد</u>
۱۲۳-الف	مدیریت هزینه (حسابداری مدیریت)	۳ واحد

۲۴	ارتباطات بازرگانی	۳ واحد
۲۵	مبانی بازاریابی	۳ واحد
۲۶	مبانی مدیریت عملیات	۳ واحد
۲۷	مبانی مدیریت و رفتار سازمانی	۳ واحد
۲۸	مبانی مدیریت مالی	۳ واحد
۲۹	ابعاد جهانی تجارت	۳ واحد
۳۰	سیستم‌های بازرگانی یکپارچه	۳ واحد
۳۱	استراتژی یکپارچه بازرگانی	۳ واحد
۳۲	تجزیه و تحلیل روش‌های کمی بازرگانی (پژوهش عملیاتی)	۳ واحد

- دروس تخصصی اجباری (۱۲ واحد):

<u>کد درس</u>	<u>نام درس</u>	<u>تعداد واحد</u>
۱۰۰-الف	سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری	۳ واحد
۱۰۱-الف	حسابداری میانه ۱	۳ واحد
۱۰۱-ب	حسابداری میانه ۲	۳ واحد
۱۰۲-الف	ابعاد مالیاتی تصمیمات تجاری	۳ واحد
۱۲۵-الف	حسابداری پیشرفته	۳ واحد

- دروس تخصصی اختیاری با انتخاب ۴ درس از دروس زیر (۱۲ واحد):

<u>کد درس</u>	<u>نام درس</u>	<u>تعداد واحد</u>
۱۰۰-ب	سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری - پیشرفته	۳ واحد
۱۲۳-ب	مدیریت هزینه (حسابداری مدیریت) - پیشرفته	۳ واحد
۱۰۲-پ	حسابداری مالیاتی افراد و اشخاص حقوقی با عمر محدود	۳ واحد

۳ واحد	۱۰۲- ب مالیات بر درآمد
۳ واحد	۱۲۴ موارد خاص در موضوعات گزارشگری مالی
۳ واحد	۱۲۵- ب حسابداری پیشرفته
۳ واحد	۱۲۶ حسابداری دولتی و مؤسسات غیرانتفاعی
۳ واحد	۱۲۷- الف حسابرسی مالی
۳ واحد	۱۲۷- ب حسابرسی عملیاتی

مطالب دروس تخصصی اجباری

۱۰۰- الف - سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری (۳ واحد)

مستندسازی، گردش و پردازش اطلاعات حسابداری در سازمانهای تجاری؛ اصول کنترل داخلی مرتبط با سیستم‌های اطلاعاتی؛ اصول طراحی سیستم. رویه‌های کامپیوتری و غیرکامپیوتری مورد استفاده برای پردازش.

پیش‌نیاز: حسابداری مالی کد ۱۲۳- الف و ارتباطات بازرگانی کد ۲۴ با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۰۱- الف - حسابداری میانه ۱ (۳ واحد)

اصول، کنترل، و تئوری حسابداری برای دارائیه‌ها؛ اصلاح سود و زیان سنوات گذشته؛ اندازه‌گیری و تعیین سود. پروژه‌های نرم‌افزاری کاربرگ گسترده ضروری است.
پیش‌نیاز: حسابداری مالی کد ۱۲۳- الف و ارتباطات بازرگانی کد ۲۴ با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۰۱- ب - حسابداری میانه ۲ (۳ واحد)

اصول، کنترل و تئوری حسابداری برای بدهی‌ها و حقوق سهامداران؛ تهیه، موارد استفاده، و تجزیه و تحلیل صورت گردش وجوه نقد؛ تورم، نسبت‌های مالی و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات حسابداری صورت‌های مالی. پروژه‌های مرتبط با نرم‌افزار کاربرگ گسترده ضروری است.

پیش‌نیاز: ارتباطات بازرگانی کد ۲۴، حسابداری میانه ۱ کد ۱۰۱- الف با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۰۲- الف - ابعاد مالیاتی تصمیمات تجاری (۳ واحد)

درس مقدماتی مالیاتی با تأکید بر موضوعات خاصی که سیستم مالیات بر درآمد را دربر می‌گیرد و تأثیر آن بر واحد تجاری. مبادلات اموال، فنون انتقالی، ادوار و روش‌های

حسابداری مالیات بر درآمد، و فنون پژوهش با تأکید بر شرکت‌های سهامی.
پیش‌نیاز: حسابداری مالی کد ۱۲۳-الف و ارتباطات بازرگانی کد ۲۴ با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۲۵-الف - حسابداری پیشرفته (۳ واحد)

تئوری‌های پیرامون شخصیت گزارشگر؛ مباحث پیشرفته حسابداری فعالیت‌های تضامنی و مشارکتی، حسابداری و گزارشگری داخلی و خارجی، ورشکستگی و تجدید سازمان شرکت‌های سهامی، ترکیب و تلفیق شرکت‌ها.

مطالب دروس تخصصی اختیاری

۱۰۰-ب - سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری - پیشرفته (۳ واحد)

آزمایشگاه عملی پروژه‌نگر برای بسط دانش و مهارت کاری در بکارگیری ابزارهای تکاملی میکروسافت و اکسس. دانشجویان یک سیستم حسابداری نمونه اولیه و یک مدول (module) نمونه که صحت بانک اطلاعاتی سیستم حسابداری طراحی شده را ارزیابی می‌کند طراحی می‌کنند.

پیش‌نیاز: سیستم حسابداری کد ۱۰۰ با حداقل نمره ۱۲.

۱۲۳-ب - مدیریت هزینه (حسابداری مدیریت) - پیشرفته (۳ واحد)

بررسی مسایل جاری و شیوه‌های جدید عمل در مدیریت هزینه. رئوس مطالب شامل مدیریت راهبردی هزینه، مدیریت بر مبنای فعالیت هزینه، مدیریت چرخه عمر هزینه، هزینه‌یابی هدف، هزینه‌یابی کیفیت و تجزیه و تحلیل زنجیره ارزش.

پیش‌نیاز: مدیریت هزینه کد ۱۲۳-الف با حداقل نمره ۱۲.

۱۰۲-پ - حسابداری مالیاتی افراد و اشخاص حقوقی با عمر محدود (۳ واحد)

تأکید بر عوامل منحصر بفرد مرتبط با مالیات افراد و اشخاص حقوقی دارای عمر محدود

(تضامنی‌ها، موقوفات و امناء). مالیات انتقال ثروت از طریق هدیه وراث.

پیش‌نیاز: ابعاد مالیاتی تصمیمات تجاری کد ۱۰۲-الف با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۰۲-ت - مالیات بر درآمد (۳ واحد)

تأکید بر بررسی و تجزیه و تحلیل فنون و قواعد در نحوه اخذ اطلاعات و تنظیم اظهارنامه واقعی مالیاتی؛ شامل قوانین مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه‌های جدید.

پیش‌نیاز: ابعاد مالیاتی تصمیمات تجاری کد ۱۰۲-الف، حسابداری مالیاتی افراد و اشخاص حقوقی با عمر محدود کد ۱۰۲-ب.

۱۲۴ - موارد خاص در موضوعات گزارشگری مالی (۳ واحد)

تجزیه و تحلیل موضوعات تخصصی و جدید حسابداری (همانند گزارشگری میان دوره‌ای، مالیات‌های انتقالی، منافع بعد از تاریخ استخدام کارکنان، بیانیه‌های جدید حسابداری) با تأکید بر پژوهش، مهارت‌های کاربردی و تحلیلی.

پیش‌نیاز: ارتباطات بازرگانی کد ۲۴، حسابداری میانه (۱) کد ۱۰۱-الف، حسابداری میانه (۲) کد ۱۰۱-ب با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۲۵-ب - حسابداری پیشرفته (۳ واحد)

حسابداری برای عملیات چند واحدی: موضوعات گزارشگری تلفیقی، موضوعات قیمت‌های انتقالی، موضوعات جهانی شدن (ساختارهای مالیات خارجی، اشکال سازمانی و حسابداری بین‌المللی، تغییر مبادلات و عملیات با ارز خارجی، حفاظ ارز خارجی)، سرقتی در ترکیب‌های تجاری.

پیش‌نیاز: ارتباطات بازرگانی کد ۲۴، حسابداری میانه (۲) کد ۱۰۱-ب، با کسب حداقل نمره ۱۲.

۱۲۶ - حسابداری سازمان‌های غیرانتفاعی

اصول، اهداف و روش‌های حسابداری دولتی و سایر سازمان‌های غیرانتفاعی.

پیش نیاز: ارتباطات بازرگانی کد ۲۴، حسابداری میانه (۱) کد ۱۰۱-الف با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۲۷-الف - حسابرسی مالی (۳ واحد)

تأکید بر نقش سنتی یک رسیدگی خاص در حسابرسی مالی و ابراز یک اظهارنظر بر صورت مالی منتشر شده. حرفه حسابرسی مستقل، استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی، اخلاق حرفه‌ای، رویه‌های حسابرسی، تهیه کاربرگ‌های حسابرسی و گزارش نویسی. پروژه‌ها مرتبط با نرم‌افزار کاربرگ گسترده ضروری است.

پیش نیاز: ارتباطات بازرگانی کد ۲۴، سیستم اطلاعاتی حسابداری کد ۱۰۰-الف، حسابداری میانه (۱) کد ۱۰۱-الف، حسابداری میانه (۲) کد ۱۰۱-ب، مدیریت هزینه کد ۱۲۳-الف با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

۱۲۷-ب - حسابرسی عملیاتی

مطالعه جنبه‌های حرفه‌ای و فنی حسابرسی داخلی و عملیاتی با تأکید بر مفاهیم، رفتار حرفه‌ای، و اهمیت؛ تنظیم و اجرای حسابرسی و یافته‌های آن. حسابرسی‌های اثربخشی و کارآیی عملیات و برنامه‌ها در صنعت و مؤسسات غیرانتفاعی باید پوشش داده شود.

پیش نیاز: ارتباطات بازرگانی کد ۲۴، سیستم اطلاعاتی حسابداری کد ۱۰۰-الف، حسابداری میانه (۱) کد ۱۰۱-الف، حسابداری میانه (۲)، مدیریت هزینه کد ۱۲۳-الف با حداقل نمره ۱۲ در هر یک.

منابع و مآخذ

نوروش، ایرج. ۱۳۷۸. به سوی آینده‌ای برای زیرساخت حسابداری کشورهای در حال توسعه. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۲۹.

Bedford Committee. 1980. Future Accounting Education : Preparing for expanding Profession. *Issues in Accounting Education*. 2, 168-195.

Bedford, N. M. & Shenkir, W. G. 1987. Reorienting Accounting Education. *Journal of Accountancy*. 163, pp. 84-91.

Enlhoven, Adolf J. H. 1989. *A Framework for Developing Accounting Education and Practices in Asia: The Case of Indonesia*. (Center for International Accounting Development. Universty of Texas at Dallas, August, 16).

Konh, Hian Chye & konh, Moy Yin. 1998. Empirical Evaluation of Accounting Programs : a Proposed factor - analytic approach. *Journal of Accounting Education*. 16/2, pp. 295-314.